

بررسی مقایسه ای بهزیستی دانشجویان دختر و پسر بر حسب ارزیابی از هویت اجتماعی و هویت فردی

دکتر فیروزه غضنفری

استادیار روان شناسی دانشگاه لرستان

خلاصه

مقدمه: مطابق نظریه هویت اجتماعی، مفهوم خود دارای دو جزء یعنی هویت فردی و هویت اجتماعی است. بر اساس این نظریه، انسان تلاش می کند تا هویت اجتماعی مثبت را همچون هویت فردی مثبت حفظ و نگهداری کند. با وجود نظریه های متعددی که پیشنهاد می کند هویت های اجتماعی روی زندگی اعضاء گروه اثرات مثبتی دارد، اما فقط اندک مطالعاتی در مورد رابطه بین هویت جمعی و بهزیستی صورت گرفته است.

هدف: هدف از مطالعه حاضر بررسی رابطه هویت جمعی و فردی و نقش ارزیابی کننده آن ها (احترام به خود جمعی و فردی) با بهزیستی در دو گروه دانشجویان دختر و پسر است.

روش کار: در این تحقیق از روش همبستگی استفاده شد. نمونه های آماری شامل ۸۵ دانشجوی دختر و ۶۲ دانشجوی پسر مقطع کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه لرستان می باشد. ابزار اندازه گیری عبارت بود از پرسش نامه اطلاعات شخصی، مقیاس احترام به خود جمعی، مقیاس احترام به خود روزنبرگ، مقیاس رضایتمندی زندگی کلی داینر و پوت، مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی که توسط واتسون، کلاچک و تلجن ساخته شده است. روش های آماری در تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد و به وسیله آزمون مقایسه میانگین های دو گروه مستقل و محاسبه ضرایب همبستگی، آزمون فرضیه ها به عمل آمد.

نتایج: نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در میانگین احترام به خود جمعی بین دختران و پسران وجود دارد ($p < 0.005$ و $t = 2.44$). همچنین در دختران احترام به خود جمعی بیش از احترام به خود فردی با بهزیستی رابطه دارد. در حالی که در پسران عکس این رابطه مشاهده شد.

بحث و نتیجه گیری: بنابراین به نظر می رسد در پسران ارزیابی از هویت فردی و جمعی نقش دو جانبه ای با بهزیستی دارد. اما در دختران، بهزیستی بیشتر در ارتباط با دیگران معنا می یابد و احساسات مثبت نسبت به خود فردی بخش کوچکتري از خوشنودی و رضایتمندی زندگی آنان را تشکیل می دهد.

واژه های کلیدی: هویت اجتماعی، هویت شخصی، ارزیابی از خود، بهزیستی

مقدمه

در حالی که هویت فردی در ارجاع به اسنادهای فردی همچون استعداد و شایستگی تعریف می شود و هیجانانگیز و ارزش های فردی را منعکس می سازد، هویت اجتماعی به وسیله در برگرفتن جنبه های جمعی ارزش ها و هیجانانگیز با ارجاع به گروه یا گروه های اجتماعی که فرد خودش را به عنوان یک عضو از آن می داند، شناخته می شود (۲).

مطابق نظریه هویت اجتماعی، مفهوم خود دو جنبه متفاوت دارد، یکی هویت فردی که مشتمل بر باورهای فرد در مورد مهارت ها و توانایی هایش می باشد و دیگری هویت اجتماعی یا جمعی که عبارت است از آن جنبه از مفهوم خود افراد که حاصل آگاهی آنان از عضویت در یک یا چند گروه اجتماعی، توأم با ارزش و اهمیت عاطفی وابسته به آن عضویت است (۱).

آدرس مؤلف مسؤول: تهران- شهرک اکباتان- فاز ۲- بلوک ۱۲- واحد ۲۲۳

تلفن تماس: ۰۲۱-۴۴۶۵۱۰۳۳ Email: firoozehgh@yahoo.com

تاریخ وصول: ۸۵/۱۱/۴ تاریخ تأیید: ۸۶/۳/۸

اضطراب را دفع کنند و نسبت به آنهایی که دید منفی راجع به خودشان دارند کمتر تحت تأثیر خلق منفی قرار گیرند (۸،۷).

تعجب آور نیست که احترام به خود، پیش بینی کننده قوی از سلامت روانی در میان آمریکایی های شمالی است (۹). دانیر و دانیر دریافتند رضایتمندی زندگی به طور مثبتی با احترام به خود در بین همه ۳۱ ملیتی که مورد آزمون قرار گرفته اند، همبستگی نشان داده است، اما اساساً میزان این همبستگی بین ملیت ها متفاوت است. برای مثال، احترام به خود و رضایتمندی زندگی در نمونه هایی از آمریکا و کانادا ۰/۶۰ همبستگی نشان داده در حالی که در میان هندی ها فقط ۰/۰۸ و در میان زنان بحرین ۰/۲۷ همبستگی وجود داشته است. این مطالعات نشان می دهد برای بهزیستی، داشتن یک خودنگری^۳ مثبت در بیشتر فرهنگ ها مفید است (۱۰).

از سوی دیگر چون عضوی از گروه بودن احساس تعلق را به وجود می آورد و به عنوان بخشی از معنای زندگی شخص تعریف می شود. بنابراین، تمایل دارد به طور مثبتی روی «خود» منعکس شود. در حقیقت، نیاز به تعلق ممکن است انگیزش بنیادی و پایه ای انسان باشد. بر این اساس افرادی که به روابط درون فردی بهاء می دهند ممکن است بیشتر به به دست آوردن آن نیاز داشته باشند. احتمالاً احساس تعلق و احترامی که از عضویت داشتن در گروه سرچشمه می گیرد، تأثیر مثبتی روی احساس ذهنی فرد از بهزیستی مثبت دارد (۱۰). بریور تأکید می کند که هویت های جمعی، فرد را در مقابل بسیاری از تهدیدات به خود-ارزشمندی^۴ محافظت می کنند. همچنین اهمیت انگیزشی آنها به طور آشکار در درک روانی-اجتماعی^۵ خود شناسایی شده است (۱۱). کراکر و همکارانش مستقیماً رابطه بین احترام به خود جمعی و سطح رضایتمندی زندگی و سازگاری روانی را بررسی کردند. آنها دریافتند که احترام به خود جمعی، به ویژه در اعضا گروه های قومی اقلیت با سلامت روانی ارتباط داشته است (۱۱،۶).

کراکر و لاتنن پیشنهاد می کنند همان طور که احترام به خود فردی به عنوان ارزیابی مثبت از هویت شناخته شده است، احترام به خود جمعی نیز شاخص ارزیابی مثبت فرد از هویت اجتماعی است. به اعتقاد آنها حدودی که افراد به طور کلی گروه اجتماعی شان را به طور مثبت ارزیابی می کنند، احترام به خود جمعی نامیده می شود (۳،۴).

به طور نظری و تجربی عنصر تشکیل دهنده هویت اجتماعی متمایز از هویت فردی است. پاره ای از نظریه پردازان همچون تاجفل معتقدند هویت فردی و اجتماعی در دو سوی یک پیوستار قرار می گیرند و آن را پیوستار فردی-اجتماعی می نامند. نظریه مقوله بندی های اجتماعی ترنر نیز بر وجود ویژگی های شخصی در یک سوی پیوستار و ویژگی های مشتق از تعلقات گروهی در سوی دیگر پیوستار تأکید می کند. البته ساختار ارتباطی هویت فردی و اجتماعی بر روی یک پیوستار، مورد قبول کلیه نظریه پردازان نیست و آن ها بیشتر بر در هم تنیدگی دو هویت تأکید دارند (۵). علاوه بر این در ادبیات پژوهشی نیز احترام به خود فردی و جمعی از یکدیگر تفکیک شده است، به طوری که در بعضی مطالعات احترام به خود جمعی با احترام به خود فردی همبستگی پائین تر از حد متوسط ($r = 0.35$) داشته است (۶). علیرغم تمایز تجربی بین ساختارهای احترام به خود فردی و جمعی، تعدادی از مطالعات، مشابهت هایی را بین این دو نشان داده اند. نمونه ای از این تشابهات عبارتند از: تحریف شناختی خود-گروه افزایی^۱ افراد از محیط یا رفتارهای دیگران و ارائه الگوهای پاسخ خاص^۲ وقتی که فرد با تهدیدات مربوط به ادراک خود یا گروه مواجهه می شود (۲).

رابطه احترام به خود فردی و جمعی با بهزیستی: به نظر می رسد دوست داشتن خود، دارویی برای بیشتر مشکلات روانی باشد. افرادی که احترام به خود بالایی دارند قادرند معنای زندگی شان را بیشتر دریابند و به طور موفقیت آمیزتری

¹-Self-group-enhancing cognitive distortion

²- Specific response patterns

³- Self - View

⁴- Self - Worth

⁵- Social Psychology's understanding

رابطه بین احترام به خود فردی و بهزیستی در دختران متفاوت از پسران است.

روش کار

در این تحقیق از روش همبستگی استفاده شد. نمونه های آماری شامل ۸۵ دانشجوی دختر و ۶۲ دانشجوی پسر مقطع کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه لرستان می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده فرمول زیر محاسبه شد:

$$N \frac{Nt^2 p(1-p)}{Nd^2 + t^2 p(1-p)} = \frac{(195)(1.96)^2 (0.25)}{(195)(0.04)^2 + (1.96)^2 (0.25)} = 147$$

ابزار اندازه گیری عبارت بود از پرسش نامه اطلاعات شخصی که توسط محقق به صورت بسته پاسخ در چارچوب ویژگی های فردی شامل سن، جنس، . . . تهیه شد، مقیاس احترام به خود جمعی توسط کراکر و لاتنن (۱۹۹۲) ساخته شد و شاخص ارزیابی مثبت افراد از هویت اجتماعی یا جمعی شان است. دارای یک پرسش نامه ۱۶ سؤالی با چهار خرده مقیاس ۱- احترام به خود جمعی شخصی، ۲- احترام به خود جمعی عمومی، ۳- احترام عضویت، ۴- اهمیت برای هویت است. توسط سازندگان مقیاس، ضرایب آلفا برای خرده مقیاس ها از ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ و همبستگی برای کل سؤالات آزمون^۵ از ۰/۵۱ تا ۰/۵۸ برای خرده مقیاس ها و از ۰/۴۰ تا ۰/۷۱ برای کل مقیاس رتبه بندی شد. میانگین همبستگی های کل سؤالات از ۰/۵۵ تا ۰/۷۵ به دست آمد (۴). در این تحقیق آلفای کرانباخ برای خرده مقیاس احترام به خود جمعی عضویت ۰/۷۴، برای احترام به خود جمعی شخصی ۰/۷۲، برای احترام به خود جمعی عمومی ۰/۷۱، و برای خرده مقیاس اهمیت برای هویت ۰/۵۹ و برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد.

به اعتقاد تریانندیس و جفند علیرغم علاقه روان شناسان اجتماعی به مفهوم خود به صورت اعم و احترام به خود به طور اخص، جنبه های جمعی «خود» به ویژه احترام به خود جمعی، به استثنای نظریه هویت اجتماعی، به شدت مورد غفلت قرار گرفته است (۱۲). گرچه نظریه هایی پیشنهاد می کنند هویت های اجتماعی روی زندگی اعضاء گروه اثرات مثبتی دارند، اما فقط اندک مطالعاتی که یک رابطه مثبت بین خرده مقیاس های خاص احترام به خود جمعی و رضایتمندی زندگی و سایر شاخص های سلامت روانی را آشکار می کند، به ندرت انجام گرفته است (۱۳، ۱۴).

احترام به خود جمعی شامل چهار مؤلفه است:

الف- احترام به خود جمعی خصوصی^۱ یا شخصی: (حدودی که افراد احساس مثبتی در مورد گروه های اجتماعی شان دارند).
ب- احترام به خود جمعی عمومی^۲: (حدودی که فرد معتقد است دیگران احساس مثبتی نسبت به گروه های اجتماعی شان دارند)
ج- احترام به خود جمعی عضویت^۳: (حدودی که افراد معتقدند که آنها عضو خوبی هستند د- اهمیت برای هویت^۴: حدودی که افراد معتقدند گروه های اجتماعی شان بخش مهمی از مفهوم خود آنها را تشکیل می دهد (۶).

به دنبال مطالعاتی که تاکنون در این مورد صورت گرفته، مطالعه حاضر ابتدا رابطه احترام به خود جمعی و فردی را با بهزیستی در دو گروه دانشجویان دختر و پسر بررسی می کند. سپس ارتباط احترام به خود فردی و جمعی را در دو گروه مقایسه می کند. فرضیه های پژوهش:

بین احترام به خود جمعی و بهزیستی شناختی و عاطفی دانشجویان دختر و پسر رابطه وجود دارد. بین احترام به خود فردی و بهزیستی شناختی و عاطفی در دانشجویان دختر و پسر رابطه وجود دارد. میانگین احترام به خود جمعی دانشجویان دختر متفاوت از دانشجویان پسر است.

رابطه بین احترام به خود جمعی و فردی در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

5- Item-total

¹-Private Collective Self-esteem

²- Public Collective Self-esteem ³- Membership esteem

⁴-Importance to identity

۱۰ لغت که توصیف کننده احساسات یا هیجانات متفاوت است، در نظر گرفته شده است. همبستگی درونی و ثبات درونی (ضرایب آلفای کرانباخ α) که توسط سازندگان این مقیاس به دست آمده برای عاطفه مثبت از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ رتبه بندی شده است. همبستگی بین عاطفه مثبت و عاطفه منفی همواره پائین است و بین ۰/۱۲ - تا ۰/۲۳ - گزارش شده است (۱۷). در این تحقیق برای عاطفه مثبت آلفای کرانباخ ۰/۸۹ و برای عاطفه منفی ۰/۸۷ به دست آمد. روش های آماری در تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد و به وسیله آزمون مقایسه میانگین های دو گروه مستقل و محاسبه ضرایب همبستگی، آزمون فرضیه ها به عمل آمد.

یافته ها

به منظور آزمون فرضیه ۱ و ۲ یعنی بررسی رابطه احترام به خود جمعی و فردی با بهزیستی شناختی و عاطفی، ضرایب همبستگی محاسبه شد. نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

مقیاس احترام به خود روزنبرگ، یک آزمون معتبر جهانی برای سنجش احترام به خود شخصی است. این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است. ثبات درونی آن در نمونه مورد بررسی دابسون و دیگران (۱۹۷۹) با استفاده از آلفای کرانباخ ۰/۷۷ به دست آمد. در تحقیق فلمینگ و کورتنی (۱۹۸۴) ۰/۸۸ گزارش شد (۱۵). در این تحقیق ضریب پایانی با روش آلفای کرانباخ $\alpha = 0.87$ به دست آمد.

مقیاس رضایتمندی زندگی کلی: توسط داینر و پوت (۱۹۹۳) تهیه شده است و برای اندازه گیری بعد شناختی بهزیستی درونی مورد استفاده قرار می گیرد. شامل پنج عبارت است که پاسخ دهنده میزان رضایتمندی خود را با استفاده از یک مقیاس ۷ درجه ای نشان می دهد. در تحقیق بین فرهنگی اشی (۲۰۰۰) در بین ۳۹ کشور مورد مطالعه، آلفای کرانباخ از ۰/۴۱ تا ۰/۹۴ با میانگین ۰/۷۸ ($SD = 0.09$) گزارش شد (۱۶). در بررسی مقدماتی این تحقیق، آلفای کرانباخ ۰/۸۶ به دست آمد. مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی که توسط واتسون، کلارک و تلجن (۱۹۸۸) ساخته شد. شامل ۲۰ آیتیم است که برای هر بعد عاطفی

جدول ۱- ضرایب همبستگی احترام به خود جمعی و فردی با ابعاد بهزیستی در دانشجویان پسر و دختر

متغیرها	بهریستی شناختی	عاطفه منفی	عاطفه مثبت
احترام به خود جمعی پسران	۰/۵۰**	-۰/۳۳**	۰/۴۲**
دختران	۰/۴۱**	-۰/۳۳**	۰/۴۳**
احترام به خود فردی پسران	۰/۶۴**	-۰/۵۲**	۰/۶۰**
دختران	۰/۳۲**	-۰/۴۷**	۰/۲۶*

* $p < 0.05$ ** $p < 0.001$

آزمون t برای مقایسه تفاوت میانگین ها به کار رفت. نتایج آن در جدول شماره (۲) آمده است. همان طوری که در این جدول مشاهده می گردد، میانگین نمرات دختران در عامل احترام به خود جمعی (۸۷/۶۰) بیشتر از پسران (۸۱/۸۴) می باشد.

بر اساس نتایج جدول شماره (۱) ضرایب همبستگی در هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر معنی دار است ($p < 0.05$ و $p < 0.001$). برای آزمون فرضیه ۳، این که آیا میانگین احترام به خود جمعی در دو گروه دانشجویان متفاوت است یا نه، ابتدا میانگین و انحراف استاندارد نمرات دو گروه محاسبه و سپس

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد احترام به خود جمعی و فردی و تفکیک در دانشجویان دختر و پسر

شاخص های آماری				متغیرها
دختران		پسران		
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	احترام به خود جمعی
۱۲/۷۴	۸۷/۶۰	۱۴/۴۶	۸۱/۸۴	

df=۱۴۵ t=۲/۴۶ P=۰/۰۰۵

بر اساس نتایج جدول شماره (۲) بین میانگین های دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد ($p=۰/۰۰۵$). یعنی میانگین احترام به خود جمعی در دختران بیشتر از پسران است. برای آزمون فرضیه ۴ یعنی بررسی رابطه احترام به خود

فردی با احترام به خود جمعی و خرده مقیاس های آن در دو گروه دانشجویان دختر و پسر از ضریب همبستگی استفاده شد. در جدول شماره (۳) نتایج آن آمده است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین احترام به خود جمعی و خرده مقیاس های آن با احترام خود فردی در دختران و پسران

عوامل آزمون	احترام به خود جمعی کلی	احترام خود جمعی عضویت	احترام خود جمعی شخصی	احترام خود جمعی عمومی	اهمیت برای هویت
احترام به خود فردی دختران	۰/۵۱**	۰/۵۶**	۰/۳۸**	۰/۲۳*	۰/۳۰**
احترام به خود فردی پسران	۰/۴۵**	۰/۵۸**	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۰/۰۹

** $p < ۰/۰۰۱$ * $p < ۰/۰۰۵$

نیز تفاوت معناداری مشاهده می شود. بنابراین در رابطه بین احترام به خود فردی و بهزیستی عاطفی در دانشجویان دختر و پسر نیز تفاوت معناداری مشاهده می شود.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه های اول و دوم تحقیق این بود که احترام به خود فردی و جمعی با ابعاد بهزیستی رابطه دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، بین احترام به خود جمعی و فردی با بهزیستی شناختی و عاطفی در دانشجویان پسر و دختر رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج یافته های قبلی همخوانی دارد (۶، ۱۱، ۱۸). به طور کلی به نظر می رسد اهمیت دادن به درون گروه ها و بهاء دادن به آنها، نقش اساسی در تجربه درونی مثبت ایفاء می کند.

بر اساس نتایج جدول (۳) ضرایب همبستگی بین احترام به خود جمعی و خرده مقیاس های آن با احترام به خود فردی در دختران معنی دار است ($p < ۰/۰۰۱$ ، $p < ۰/۰۵$) در پسران نیز این رابطه (به جزء در مورد خرده مقیاس اهمیت برای هویت) معنی دار است ($p < ۰/۰۰۱$).

با استفاده از نتایج جدول شماره (۱) و به وسیله آزمون معنادار بودن ضرایب همبستگی در نمونه های مستقل و از طریق جدول ZI فیشر فرضیه ۵ مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده چون Z محاسبه شده ۲/۵۵ از Z جدول در سطح ۰/۰۵ بزرگتر است بنابراین در رابطه بین احترام به خود فردی و بهزیستی شناختی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده می شود. در رابطه بین احترام به خود فردی و بهزیستی عاطفی در دانشجویان دختر و پسر

به عبارت دیگر افرادی که به درون گروهشان بیشتر توجه می کنند، خودشان را به طور مثبت تری ارزیابی می کنند و این ارزیابی های مثبت، تا حدودی سبب افزایش رضایتمندی و عاطفه مثبت در آنها می شود. همچنین نتایج این پژوهش با یافته های دائیر و دائیر همخوانی دارد آنها دریافتند که بهزیستی به طور مثبتی با احترام به خود فردی در بین همه ۳۱ ملیتی که مورد آزمون قرار گرفته اند، همبستگی دارد (۹).

فرضیه سوم این بود که میانگین احترام به خود جمعی در دختران بیشتر از پسران است. نتایج جدول شماره (۲) نشان داد که در دختران میانگین احترام به خود جمعی به طور معناداری بیشتر از پسران است. از نتایج شماره (جدول ۱ و ۳) نیز برای آزمون فرضیه چهارم یعنی رابطه بین احترام به خود جمعی و فردی در دو گروه دختران و پسران استفاده شد. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که در دانشجویان دختر، ضرایب همبستگی بین احترام به خود فردی و جمعی، بیشتر از پسران است. از سوی دیگر خرده مقیاس اهمیت برای هویت در آزمون احترام به خود جمعی که بیانگر اهمیت عضویت درون گروهی برای مفهوم خود است و شخصی ترین بعد احترام به خود جمعی می باشد در گروه پسران هیچگونه رابطه معناداری با احترام به خود فردی و نیز ابعاد شناختی و عاطفی بهزیستی نشان نمی دهد در حالی که در دختران این خرده مقیاس (اهمیت برای هویت) رابطه معناداری با احترام به خود فردی و ابعاد شناختی و عاطفی بهزیستی نشان می دهد. به این ترتیب به نظر می رسد که رابطه احترام به خود فردی و جمعی در پسران متمایزتر از دختران است (۱۳).

در مورد فرضیه پنجم نتایج نشان داد در دختران میانگین احترام به خود جمعی به طور معناداری بیشتر از پسران است و همچنین در آنها رابطه بهزیستی شناختی و عاطفی با احترام به خود جمعی بیش از احترام به خود فردی است. در حالی که در پسران احترام به خود فردی (ارزیابی مثبت از هویت فردی) بیش از احترام به خود جمعی با ابعاد بهزیستی رابطه دارد.

به طور کلی به نظر می رسد در پسران هم ارزیابی از خودشان

و هم ارزیابی از درون گروه شان نقش دو جانبه ای با بهزیستی دارد. اما بهزیستی دختران بیشتر در ارتباط با دیگران معنا می یابد و احساسات مثبت درباره خود بخش کوچتری از خوشنودی و رضایتمندی زندگی آنان را تشکیل می دهد. این نکته با نظریه ریچارد لوکاس و کارول گوم در مورد تفاوت های جنسی در تجزیه بهزیستی مطابقت دارد. آنها معتقدند نقش های جنسی که در جامعه به وسیله زنان و مردان ایفاء می شود، تفاوت مهمی در معنای تجارب عاطفی فراهم می آورند. داشتن نقش های مراقبت کننده که غالباً توسط زنان در خانه (مثل مادر و همسر بودن) و محیط های شغلی (مثل معلمی و پرستاری) اعمال می شود، احتمالاً حساسیت به دیگران و بیان عاطفی را تحت تأثیر قرار می دهد. در حالی که در نقش های مردان کمتر بر تجربه هیجانی تأکید می شود (۹).

وود و رودز و ویلان معتقدند تصویب نقش های مختص جنسیت باعث می شود که زنان در مقایسه با مردان به هیجان های خود و دیگران حساس تر باشند (۲). به این ترتیب ما نیاز داریم به واسطه انجام تحقیقات بیشتر درک ظریف و فرهیخته ای از آن چه در فرهنگ ما سبب احساسات مثبت در زنان و مردان می شود را به دست آوریم تا در جهت تأمین بهداشت روانی جامعه از آن بهره بجوئیم.

با توجه به این که نتایج تحقیق نشان داد ارزیابی مثبت از هویت فردی و اجتماعی نقش مؤثری در بهزیستی دانشجویان دختر و پسر دارد، بنابراین پیشنهاد می شود مسئولین دانشگاه ها دانشجویان را به تشکیل انجمن های گوناگون علمی، فرهنگی-هنری، سیاسی-اجتماعی و گروه های ورزشی حتی گروه های قومی ترغیب و حمایت نمایند. بدیهی است که بهزیستی در بالا بردن سطح پیشرفت تحصیلی و فعالیت های آموزشی دانشجویان نیز مفید واقع می شود. از سوی دیگر بررسی هویت اجتماعی و نقش ارزیابی کننده آن دلالت های برای انواع پدیده های اجتماعی از جمله مسئولیت، تعهدات و رفتار سازمانی، مشارکت سیاسی و غیره دارد که با بررسی های بیشتر در این مورد می توان به راهبردهای جدیدی در حل مسائل اجتماعی دست یافت.

منابع

1. Tajfel H. Social identity and inter group relation. New York: Cambridge university press. 1982: 115 – 129.
2. Fisher R, Sadeq R, Ollective C. Self-Esteem and construal of racism, [http: / www.sage pub.Co.uk/Journals](http://www.sagepub.Co.uk/Journals), 1997.
3. Crocker J, Luhtanen R. Collective self – esteem and ingroup bias. Journal of personality and social psychology. 1990; 58: 60– 67.
4. Luhtanen R, crocker J. A collective self-esteem scal self-evaluation of one’s social identity, the society for personality, social psychology, 1992; 18(3): 302 – 318.
۵. محسنی، نیک چهره. نظریه ها در روان شناسی رشد، انتشارات رشد، ۱۳۸۳: ص ۱۲۳.
6. Crocker J, Luhtanen R, Blaine B, Broadnax S. Collective self-esteem and psychological well-being among white, Black and Asian college students. Personality and social psychology Bulletin. 1992; 20 (5): 503-513.
7. Suh EM. Self, the hyphen between culture and subjective well – being. Diener and suh. Cambridge and London the MIT Press, 2000: 223 – 340.
8. Diener E, Suh EM. Culture and subjective well – being. Cambridge, MA: MIT Press, 2000: 128 – 136.
9. Diner E, Oishi S, Lucac RE. Personality, culture, and subjective well– being: Emotional Annual Review of psychology, 2003; 54: 403 – 425.
10. Diener E, Diener M, Diener C. Factors predicting the subjective well – being of nations. Journal of personality and social psychology, 1995; 69: 851– 64.
11. Bettencourt BA, Dorr N. Collective self – esteem as a mediator of the relationship between allocentrism and subjective well–being. Personality and social psychology Bulletin. 1997; 23(9): 55-64.
۱۲. ییابانگرد اسماعیل، روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۱۲-۱۵.
۱۳. غضنفری فیروزه ، رابطه مفهوم خود و سلامت روان در فرهنگ شرق و غرب ، فصلنامه پژوهش زنان ۱۳۸۶، در دست چاپ.
14. Triandis HC. Cultural syndromes and subjective well – being. Diener and suh. Cambridge and London. The MIT Press, 2000, 228 – 340.
15. Rosenberg M. Society and adolescent self- image Princeton, NJ: Princeton University Press, 1965, 212 – 243.
16. Pavot W, Diener ED. Review of the satisfaction with life scale. Psychological assessment. 1993; 5(2): 164 – 172.
17. Watson D, Clark LA, Tellegen A. Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales, Journal of Personality and social psychology , 1988; 54 (6): 1063 – 1070.
18. Triandis HC, Gelfand MJ. Converging Measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. Journal of personality and social psychology. 1998; 74(1): 118 – 128.


Abstract**The role of personal and social identity on the well – being of girls and boys university students**

Ghazanfari F, Ph.D

Introduction: Social identity theory argues there are two distinct aspects of the self-concept namely, Social and Personal Identity. It posits that individuals strive to maintain or enhance not only a positive personal identity but also a positive collective identity. Although theorists suggest that social identities should have positive effects on the lives of group members, only a few studies have assessed the relation between collective identity and well-being.

Purpose: The purpose of the present study is to examine the relationship collective and personal self-esteem with subjective well-being (SWB) in two groups of the girls and boys college students.

Methods and Materials: Participants were 85 female and 62 male undergraduate students at the Lorestan University. Each participant was tested by the Collective self-esteem scale (CSE), the Rosenberg self-esteem scale, the satisfaction with life scale (SWLS) and the positive and negative affect scale (PANAS).

Results: The results show that in the girls versus boys the reliable relation between collective self-esteem and SWB is more than the personal self-esteem and SWB.

Discussion: Thus our data suggest that in the boy students, both individuals' evaluations of themselves (Personal self-esteem) and their evaluations of their in groups (Collective Self-esteem) play mutual roles in well – being. But girls' well – being makes sense in connection with others and their own positive senses include a minor life satisfaction.

Keywords: Social identity, personal identity, self – evaluation, well – being